

دکتر تد هیلدبرانت، تاریخ عهد تشریح، ادبیات، و الهیات، سخنرانی 2

© 2020 دکتر تد هیلدبرانت

آ. مقدمه و دعا [2:24-0:0]

این سخنرانی شماره دو دکتر تد هیلدبرانت در مورد تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق است. سخنرانی امروز در مورد آموزه های الهام، تقدیس، انتقال و ترجمه خواهد بود. یک چیز را باید بگویم که سال گذشته کسی انجام داد که فکر می کردم واقعا جالب است، من دختری داشتم که اینجا نشسته بود و پدرش می خواست کلاس عهد عتیق او را با خود ببرد. ما در مورد والدین هلیکوپتر صحبت می کنیم، اما به هر حال، در واقع، من واقعا از آن مرد لذت بردم. در نهایت به او ایمیل زدم. این مرد به من ایمیل زد و واقعا جالب بود. او خواندن ها را انجام می داد و من از آن ضربه خوردم. به هر حال، آیا واقعا شسته و رفته بود که او می توانست ببیند دخترش چه می آموزد؟ شما فکر نمی کنید که شسته و رفته باشد... خوب، فکر کردم خیلی شسته و رفته است.

بیایید با یک کلمه دعا شروع کنیم، و سپس امروز می خواهیم برخی از مطالب را در اینجا مرور کنیم. ای پدر، ما بسیار سپاسگزاریم که تو سخن گفتی، و اینکه با پیامبرانی که مردان و زنان خدا بودند صحبت کردی، و آنها کتاب مقدس را ثبت کردند. سپس شما آن را برای هزاران سال در انواع ویرانی های زمان برای ما حفظ کردید. شما آن را برای ما حفظ کرده اید و برای ما به انگلیسی ترجمه کرده اید تا بتوانیم آن را درک کنیم و هنوز هم داریم. بسیاری از ما حتی چندین نسخه از آن داریم و از شما برای کلامی که گفتید تشکر می کنیم. ما از شما برای کلامی که در طبیعت دارید سپاسگزاریم و با گذشت این طوفان، متوجه می شویم که آسمانها جلال خدا را اعلام می کنند. بنابراین ما به آسمان نگاه می کنیم و شما را به خاطر عظمت و جهانی که ساخته اید ستایش می کنیم. ما بیش از هر چیز از تو برای پسر عیسی مسیح که برای گناهان ما مرد، سپاسگزاریم. ما از عشق و دلسوزی شما بسیار سپاسگزاریم. دعا می کنم که امروز به ما کمک کنید زیرا ما به برخی از چیزهایی که نسبتا مشکل هستند می پردازیم. ما دعا می کنیم که شما به من این توانایی را بدهید که آنها را به گونه ای بیان کنم که ایمان را بسازد نه اینکه آن را خراب کنم... و اینکه نام پسر شما توسط این کلاس مورد احترام قرار گیرد، به نام گرانهای او دعا می کنیم. آمین.

ب. نقد و بررسی: استدلال های کیهان شناختی و غایت شناختی برای وجود خدا [6:26-2:25]

دفعه قبل می گفتیم که کتاب مقدس (قرار است عهد عتیق را مطالعه کنیم)، که این کتاب کلام خداست. بنابراین اولین چیزی که باید نشان دهیم این است که اعتقاد به خدا منطقی است. حالا، آیا می توانیم ثابت کنیم که خدایی وجود دارد؟ نه. آیا می توانیم نشان دهیم که منطقی است؟ آیا مردم می توانند ثابت کنند که چگونه بیگ بنگ 16 میلیارد سال پیش یا بیشتر اتفاق افتاد؟ آیا مردم می توانند این را ثابت کنند؟ نه. آیا این یک فرض از طرف آنها

نیز هست؟ پس آیا فقط مسیحیان به فرضیات ایمان دارند؟ آیا افراد دیگر نیز فرضیاتی دارند؟ بله. علم آنها را دارد، هر فرهنگی آنها را دارد. بنابراین، آیا خدایی وجود دارد؟

ما در مورد برهان کیهانی صحبت کردیم که اساساً علت و معلول، علت و معلول و علت و معلول را دنبال می‌کرد. هندوانه یا گریپ فروت اولیه و آنچه باعث به وجود آمدن جهان شد. ما به عنوان مسیحیان می‌گوییم که علت اولیه ای که در دمیدن هندوانه یا گریپ فروت دخیل بود، خدا بود و اینکه خدا در خلقت جهان نقش داشت. پس اولین دلیلی که باعث شد بقیه این چیزها اتفاق بیفتد چه بود؟ ما می‌گوییم که این خداست. اولین علت استدلال کیهان شناسی است.

ما همچنین از استدلال غایت شناختی استفاده کردیم. استدلال غایت شناختی استدلالی از طراحی بود. جهان بسیار بسیار خوب ساختار یافته است. بسیار خوب مرتب شده است. یک نفر کتابی نوشته است، شش عدد، و اگر هر یک از این شش عدد را تغییر دهید، کل جهان تغییر می‌کند. به عنوان مثال، کشش گرانشی، چه اتفاقی می‌افتد اگر کشش گرانشی با آنچه اکنون است متفاوت باشد؟ فرض کنید گرانش فقط سه چهارم آنچه اکنون است بود. وقتی جهان منفجر شد چه اتفاقی می‌افتاد؟ به جای اینکه گرانش چیزها را در کنار هم نگه دارد، جهان چه کاری انجام می‌دهد؟ می‌توانست از هم پاشیده شود. از سوی دیگر، اگر گرانش قوی‌تر از الان باشد چه اتفاقی می‌افتد؟ جهان از بین می‌رود و ممکن است دوباره به هم مکیده شود. اما به نظر می‌رسد کشش گرانشی به روشی که به ما امکان زندگی می‌دهد عالی است. عوامل دیگری نیز وجود دارد. اندازه و وزن یک پروتون، و اگر تغییر کند چه؟ همه چیز را تغییر می‌دهد. و بنابراین، این مرد شش عدد را مرور می‌کند و می‌گوید که جهان حول این شش عدد به طرز باورنکردنی متعادل است. حالا می‌توانید بگویید که این شانس است، درست است؟ که ما فقط خوش شانس بودیم. اما آیا این باعث نمی‌شود که بگویید، "این چیزهای زیادی است که شانس نیست؟" خب مثل این

است که ما از مثال این اتاق با صندلی‌های این اتاق استفاده کردیم. شما وارد این اتاق می‌شوید و به این صندلی‌ها نگاه می‌کنید، آیا تصور می‌کنید که این فقط شانس و شانس بود که این صندلی‌ها به شکلی که اکنون هستند ظاهر شدند؟ نه، وقتی به صندلی‌های ردیف شده نگاه می‌کنید، نتیجه می‌گیرید: "کسی این کار را کرده است." از کجا می‌دانید که آن صندلی‌ها توسط کسی در آنجا قرار داده شده‌اند؟ چون نظم بیش از حد وجود دارد. شما اینجا سه ردیف دارید، هیچ صندلی‌ای در وسط ندارید، آنها به نوعی زاویه بالا دارند، ده ردیف پشت سر هم دارید، همه آنها به خوبی ردیف شده‌اند. شما می‌گویید "این فقط نمی‌تواند به طور تصادفی باشد، باید یک طراح وجود داشته باشد که این اتاق را طراحی کرده و آن را به این شکل ساخته است. پس این استدلال طراحی است، به آن استدلال غایت شناختی می‌گویند.

سپس ما کمی در مورد طراحی هوشمند صحبت کردیم و در واقع فکر می‌کنم آخرین باری که افرادم را گرفتم، ویلیام کریگ، با مردی به نام ویلیام دمپسکی مخلوط شد، ریاضیدانی که دکترای دوگانه‌ای داشت دمپسکی از دانشگاه شیکاگو بود. کریگ همچنین یک مدافع است، در ساحل غربی در مدرسه علمیه تالپوت، آیا کسی با آن

آشنا است؟ به هر حال، کریگ آنجاست، او همچنین دفاعیات را استدلال می کند، اما دمپسکی یکی از بزرگان است، دکترای دوگانه، طراحی هوشمند. اکنون افراد مختلف ثابت خواهند کرد که چگونه این اتفاق افتاد؟ طراحی هوشمند می گوید که نظم زیادی در جهان وجود دارد که شما به کسی نیاز دارید، شما به یک هوش نیاز دارید، تا این را طراحی کنید، زیرا این فقط شانس و شانس نیست، در غیر این صورت، هرج و مرج بیشتری وجود خواهد داشت.

ج. استدلال اخلاقی برای وجود خدا [9:39-6:27]

حالا بحث بعدی ما اینجاست. این استدلال اخلاقی است. آیا حیوانات اخلاق دارند؟ ما به پارک ملی یلوستون رفتیم (پسر ما را که به تازگی از افغانستان برگشته بود) بردم. یکی از مشکلات پیاده روی در یلوستون چیست؟ آیا موجودات بزرگی وجود دارد؟ اتفاقی که افتاد این بود که یک مرد پنجاه و هفت ساله و همسرش برای پیاده روی رفتند. معلوم شد که یک خرس گریزلی مادر وجود داشته است. خرس گریزلی مرد را دید و به دنبال او رفت و او را کشت. مشکل خرس گریزلی چیست؟ آیا یک خرس گریزلی می تواند یک انسان را به راحتی بگیرد؟ فقط پنجه های آنها به اندازه انگشت من بلند است. خرس گریزلی یک بار اینطور می رود و شما روده می گیرید. این حیوانات فوق العاده قوی هستند و می توانند خیلی سریع بدوند. به هر حال، این مرد بلعیده شد. به هر حال، همسرش فرار کرد، می دانید چگونه فرار کرد؟ این حقیقت است... او شروع به داد زدن بر سر خرس کرد و هیچ نمی تواند زنی را که سر آنها فریاد می زند بگیرد، بنابراین خرس بلند شد... این یک شوخی بود (اکنون که ضبط می شوم باید مراقب این نوع چیزها باشم) اما چیزی که می گویم این است که چگونه آن زن فرار کرد؟ آیا می دانید او چه کرد؟ این حقیقت است، کاری که او انجام داد این بود که در حالی که شوهرش توسط خرس بلعیده شده بود، وانمود کرد که مرده است. خرس بالا آمد، دماغش را زد، ممکن است به او چسبیده باشد (فکر می کنم زخم های جزئی داشت) اما خرس او را نخورد زیرا خرس فهمید که مرده است و او را تنها گذاشت. این حقیقت است، او با بازی مرده فرار کرد. این بسیار عجیب است، اینطور نیست؟ او کاملاً لنگ زد و وانمود کرد که مرده است و در امان مانده است.

منظور من این است که اگر حیوانی انسانی را بلعد، آیا این یک حیوان غیر اخلاقی است؟ آیا حیوانات اخلاق دارند؟ نه، آنها یکدیگر را می خورند! این چیزی است که من می گویم. آنها به طور طبیعی چیزها را می بلعد. انسانی که انسان دیگری را می کشد، آیا چیز غیر اخلاقی در آن وجود دارد؟ ما قوانینی داریم که به آن قتل می گویند. به هر حال، آیا سطوح مختلفی از قتل نیز وجود دارد؟ برخی از افراد 85 ساله در ماشین هستند و نمی دانند چه کار می کنند. آنها به جای استراحت روی پدال گاز پا گذاشتند و در نهایت یک بچه را به پایین دویدند. در نهایت در بوستون اتفاق افتاد. فرض کنید بچه کشته می شود، آیا آن پیرمرد قاتل است؟ خوب، آنها نباید رانندگی کنند، اما این سوال دیگری است. آنچه ما می گوئیم این است که هیچ قصد بدخواهانه یا پیش بینی وجود نداشته است. آن شخص احتمالاً از این واقعیت که کسی را کشت ویران شده بود.

به عبارت دیگر ، انسان ها دارای اخلاق هستند. این اخلاقیات از کجا آمده است؟ اگر اعتقاد ندارید که خدایی وجود دارد، پس اخلاقیات از کجا آمده است؟ به هر حال، آیا افراد سکولار می توانند مکان هایی را پیدا کنند که اخلاق از آن ناشی می شود؟ بله، آنها می توانند، اما آیا آنها باید خیلی سخت تر از ما کار کنند و بگویند خدایی وجود دارد، که صحبت می کند و می گوید "تو نخواهی کرد" چه؟ "مرتکب قتل شوید. دروغ نگویند، دزدی نکن، مرتکب زنا نشوید،" این کاملاً مستقیم است. بنابراین، اخلاق از کجا آمده است؟ این مشکل بدون خدا بیشتر از خدا است.

شرط بندی پاسکال به عنوان مدرکی برای وجود خدا [13:16-9:40]

شرط بندی پاسکال. این یکی است که من دوست دارم. آیا کسی قمار را دوست دارد؟ من نمی دانم، اما بگذارید فقط این را بگویم. ما می خواهیم هفت و یازده را روی چند تاس بیندازیم. هر قالب شش ضلع دارد، بنابراین چند احتمال می تواند با دو قالب به دست آید؟ شما بچه ها احتمالاً این کار را در آمار انجام می دهید. شش نفر در هر مرگ، بنابراین شش ضربدر شش، بنابراین سی و شش ترکیب مختلف. حالا هفت، شما می توانید از چند طریق دریافت کنید؟ یک و شش، سه و چهار و غیره. بنابراین ما می خواهیم تاس باندازیم، و این راهی است که قرار است باشد. چون من به شما بچه ها اهمیت می دهم، ما می خواهیم این را تنظیم کنیم. اگر من تاس بیندازم و هفت یا یازده نگیرم، به عبارت دیگر، شما برنده می شوید و من می بازم، من یک دلار به شما می دهم. اگر هفت یا یازده را بگیرم، ده هزار دلار به من می دهید. آیا کسی می خواهد غلت بزند؟ مشکل چیست؟ من آنها را یک بار غلت می زنم و می بازم، فقط یک دلار به شما می دهم. من آنها را دو بار می چرخانم، می بازم، یک دلار به شما می دهم. سه، چهار، پنج، ده، من آنها را ده بار می چرخانم، به شما چه پولی دادم؟ ده دلار. من یک بار برنده می شوم و شما چه چیزی به من می دهید؟ ده هزار. سوال: آیا تمام شب را اینطور با شما غلت می زنم؟ بله. چرا؟ اگر ببازم، چه چیزی برای از دست دادن دارم؟ من یک دلار از دست می دهم. من خیلی کم برای از دست دادن دارم. اما آیا وقتی برنده می شوم مقدار زیادی برای به دست آوردن دارم؟ خیلی کم برای از دست دادن، همه چیز برای به دست آوردن. شرط پاسکال اینگونه عمل می کند، این می گوید: "اگر خدایی وجود نداشته باشد، چه چیزی را از دست داده ام؟" خیلی کم. فرض کنید خدایی وجود ندارد و شما می گویند: "خوب، شما تمام زندگی خود را باور کردید و این یک دروغ بود و خدا وجود ندارد." من از آن چه چیزی به دست آورده ام؟ من یک خانواده فوق العاده به دست آورده ام، یک همسر فوق العاده، نمی توانستم بیشتر از این بخواهم. بنابراین من هنوز همه آن چیزها را دارم. از طرف دیگر اگر من معتقدم که خدایی وجود ندارد و ناگهان می میرم و با این خدایی روبرو می شوم که وجود ندارد و تمام عمرم به او کفر گفته ام و بعد از آن سرخ می شوم، آیا مشکلی وجود دارد؟ به عبارت دیگر، شما چیزی برای از دست دادن و همه چیز برای به دست آوردن ندارید. اگر خدایی وجود ندارد و من معتقد بودم که خدایی وجود دارد، تقریباً چیزی را از دست ندادم. اگر معلوم شود که خدایی وجود دارد

و من به او اعتقاد نداشتم، پس از اینکه این زندگی از بین می رود، همه چیز را از دست می دهم. این شرط پاسکال نامیده می شود و او می گوید اگر به خدا اعتقاد داشته باشید و معلوم شود که اشتباه کرده اید، چیز زیادی از دست نداده اید. اگر باور دارید که خدایی وجود ندارد و معلوم می شود که وجود دارد، شما فقط روح خود را از دست داده اید و این یک معامله بزرگ است. شرط پاسکال - برای پول تاس ناندازید.

E. استدلال عیسی: دروغگو، دیوانه، افسانه یا خداوند [20:46-13:17]

با عیسی چه می کنید؟ می توانید بگویید، "من به خدا اعتقاد ندارم." خوب، پس با عیسی چه می کنید؟ آیا عیسی ادعا کرد که خدا است؟ عیسی گفت، *Egw eimi*. این به این معنی است که "من هستم." من چه هستم؟ وقتی عیسی گفت "من هستم"، یهودیان چه واکنشی نشان دادند؟ آنها می خواستند او را سنگسار کنند. چرا می خواستند او را سنگسار کنند؟ "چون تو، یک مرد صرف، ادعا می کنی که هستی" چی؟ "خدایا." "من هستم که هستم" کیست؟ شما در عهد عتیق به یاد می آورید، "من هستم که هستم." آیا این نام «یهوه» مقدس ترین نام خداست؟ عیسی می گوید "من هستم" و آنها سعی می کنند او را سنگسار کنند زیرا آنها گفتند: "شما فقط ادعا کردید که خدا هستید. بنابراین ما سعی می کنیم شما را بکشیم، شما را سنگسار کنیم، به خاطر کفر. زیرا شما، یک مرد صرف، ادعا می کنید که خدا هستید." یوحنا رسولش می نویسد: «در آغاز، کلمه در ابتدا بود. کلمه با خدا بود و کلمه خدا بود... و کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد. بنابراین او در مورد آرم. موجود الهی، آرم، کلام خدا، اکنون جسم می شود. عیسی ادعا کرد که خدا است. پس سی اس لوئیس این را گفت، عیسی یا دروغگو است، یا دیوانه، یا همان چیزی است که گفته بود، او خداوند است. حالا عیسی که دروغگو است، مشکل آن چیست؟ وقتی آثار عیسی را می خوانید، آیا او دروغگو به نظر می رسد؟ "من راه، حقیقت و زندگی هستم." عیسی حقیقت را گفت و دروغ با شخصیت اخلاقی او در تضاد است. اگر شخصی در این اتاق ادعا می کرد که شما خدا هستید، ما فکر می کردیم که شما چه چیزی هستید؟ دیوانه. عیسی ادعا کرد که اینطور است و به هر حال، آیا برادران و خواهران خودش فکر می کردند که او دیوانه است؟ در قسمت متی فصل 12، آنها آمدند تا او را ببرند زیرا فکر می کردند او دیوانه است. آیا عیسی یک دیوانه بود؟ آیا دیوانه هایی وجود دارند که فکر می کنند خدا هستند؟ به خصوص زمانی که مقدار مشخصی مواد مصرف می کنند. آیا عیسی دیوانه است؟ آیا موعظه روی کوه را خوانده اید؟ وقتی موعظه روی کوه را می خوانید، "خوشا به حال فقیران، خوشا به حال مهربانان، خوشا به حال کسانی که در قلب پاک هستند زیرا خدا را خواهند طلبید..." آیا اینها اظهارات یک دیوانه است؟ اگر تا به حال موعظه روی کوه را خوانده باشید، آیا این کار یک دیوانه است؟ آیا این یکی از باورنکردنی ترین ادبیاتی نیست که تا به حال در هر جایی نوشته شده است؟ فکر نمی کنم با این ایده که عیسی دیوانه است تا حد زیادی پیش بروید. آموزه های عیسی باورنکردنی است.

عیسی خداوند بود، این نتیجه گیری لوئیس است. لوئیس از این یکی صرف نظر کرد، و این مرا آزار می دهد زیرا فکر می کنم امروز، بسیاری از مردم هنوز عیسی را به عنوان خدا دوست ندارند. همه عیسی را به

عنوان یک مهاتما گاندی سوپ شده دوست دارند. بنابراین برای بسیاری از "عیسی پیامبر خوبی بود"، نوعی مارتین لوتر کینگ در استروئیدها. اما به هر حال، جایی که همه با عیسی مشکل دارند، ادعای او برای خدا بودن است. اینجاست که آنها مشکل دارند. عیسی پیامبر خوبی بود و همه عیسی را به عنوان یک پیامبر خوب دوست دارند، اما به محض اینکه عیسی ادعا می کند که خدا است، آن زمان است که مردم وحشت می کنند.

حال، این "خدایی" عیسی از کجا آمده است؟ برخی از منتقدان امروز خواهند گفت که این ایده که عیسی خدا بود در واقع یک افسانه بود که در واقع در طول یک دوره زمانی توسعه یافت. بنابراین این عیسی افسانه ای توسعه یافت. ولی می خواهم از شما درباره رسولان او بپرسم، که می گویند این افسانه ها را درباره عیسی طراحی کرده اند. درباره رسولان چه می دانید؟ حواریون واقعا مردمی بسیار شجاع بودند. در اوایل شاگردان عیسی بسیار گفتند: "عیسی، تو به سمت مرگ برو و ما با تو به مرگ خواهیم رفت. ما در کنار شما خواهیم ماند. ما همانجا با شما هستیم، ما از صمیم قلب به تو ایمان داریم." ناگهان عیسی در باغ جتسیمانی اسیر می شود و چه اتفاقی برای شاگردان می افتد؟ این بچه ها بودند: "ببخشید، ممکن است کسی در اینجا کشته شود. آنها می خواهند کسی را بکشند، ما باید از اینجا خارج شویم!" پس شاگردان بلند می شوند. حالا من یک سوال از شما می پرسم. در صلیب عیسی، همه شاگردان کجا بودند؟ آنها از ترس پنهان شده بودند. این زنان بودند که به او چسبیدند. اما بعد چه اتفاقی می افتد؟ سه روز بعد، ناگهان، آنها به مقبره می روند و پس از آن چه اتفاقی برای شاگردان می افتد؟ آیا انتقالی با شاگردان وجود دارد؟ آیا شاگردانی که ترسیده بودند و فرار کرده بودند، اکنون پس از رستاخیز برای عیسی مسیح خواهند مرد؟ به من بگویید چه اتفاقی برای 12 شاگرد می افتد (خوب، یکی از آنها به نوعی کار لیست سطل را انجام داد و موفق نشد). پس یهودا رفته است، اما آن یازده شاگرد، چه اتفاقی برای همه آنها افتاد، جز اینکه ما در مورد یوحنا تعجب می کنیم، چه اتفاقی برای آنها افتاد؟ آیا سوابقی از آنچه برای آنها اتفاق افتاده است داریم؟ هر یک از آنها مرگ وحشتناکی مردند، بیایید از پیتر به عنوان مثال استفاده کنیم، پطرس وارونه مصلوب شد. اگر او فقط این را جعل می کرد، افسانه خدا بودن عیسی، آیا برای چنین چیزی می مردید؟ به هر حال، یک یا دو نفر ممکن است بمیرند، زیرا آنها دیوانه بودند یا چیزی شبیه به آن، اما همه یازده نفر از آنها می مردند و هرگز نمی گفتند، "بس کن، من فقط آن را ساختم، من فقط شوخی می کردم، مرا نکش." نه، همه آنها تا سر حد مرگ راه رفتند و به شهادت رسیدند. حتی جان، آنها شروع به سرخ کردن او در روغن کردند. چیزی که من می گویم این است که آیا آنها با تمام وجود این را باور کردند؟ آنها آن را تا چه نقطه ای باور کردند؟ مرگ. به هر حال، آیا این فقط یک گلوله در سر آنها قرار داشت؟ نه. بسیاری از آنها تا حد مرگ شکنجه شدند و اینگونه به مرگ رفتند.

پس این ایده که شاگردان فقط این افسانه ها را ساخته اند، مشکل دیگر آن چیست؟ اگر شاگردان فقط این داستان ها را ساخته بودند، آیا افراد دیگری در اطرافشان بودند که می توانستند سوت بزنند و بگویند "این درست نیست؟" شاگردان گفتند که عیسی از مردگان برخاست، و افرادی در اطراف بودند که می گفتند، "نه، این هرگز

اتفاق نیفتاده است، ما آنجا بودیم، هرگز اتفاق نیفتاد." مشکل آن چیست؟ پولس می گوید، "هی، اگر مرا در مورد رستخیز عیسی از مردگان باور نمی کنید، پانصد نفر هنوز در اینجا زنده هستند، می توانید بروید از آنها بپرسید. پانصد نفر همگی عیسی را دیدند که از مردگان برخاست، علاوه بر دوازده رسول، و علاوه بر من، پولس و من عیسی را در راه دمشق دیدیم، پس از مرگش زنده بود." بنابراین به عبارت دیگر، آنها نمی توانند آن را بسازند زیرا افراد دیگری بودند که داستان های آنها را رد می کردند. پولس می گوید که بروید از افرادی که شاهد عینی بودند بپرسید. پس عیسی خیلی خوب است. عیسی مسیح ادعا می کند که خدا است، و دلیلی برای اعتقاد به آن وجود دارد. حالا آیا این آن را ثابت می کند؟ این موضوع را ثابت نمی کند، اما منطقی است که به برخی از این چیزها فکر کنیم.

و. استدلال شهادت شخصی برای وجود خدا [22:21-20:47]

شهادت شخصی. آیا افرادی را می شناسید که می گویند خدا را ملاقات کرده اند؟ آیا افرادی در این اتاق هستند که ادعا کنند خدا را ملاقات کرده اند، از جمله پروفیسور؟ قسم می خورم که سال گذشته کار خدا را دیده ام، خدا را شکر و ستایش می کنم، منظورم این است که آیا تا به حال چیزی را دعا کرده اید که واقعا مهم باشد؟ پسر من سال گذشته، تقریبا در همین زمان، در افغانستان تمام شده بود. هر روز به او شلیک می شد. او بیست و هشت روز متوالی بیرون از سیم بود و هر روز مورد اصابت گلوله قرار می گرفت. آیا برای او دعا کردم؟ آیا برخی از دوستانش برنگشتند؟ افراد دیگر برنگشتند. او برگشت. خدا او را نجات داد. من خدا را به خاطر آن ستایش می کنم. مردم می گویند که او خوش شانس بود، این فقط شانس قرعه کشی بود که کشته نشد، اما من می توانم چیزهایی را که نشان می دهد خدا دعا را جواب می دهد، مرور کنم. آیا شهادت شخصی به حساب می آید؟ آیا میلیون ها نفر به عیسی مسیح ایمان دارند که ادعا می کنند با خدا رابطه دارند؟ بله. حالا آیا شما فقط آن را رد می کنید زیرا همه آنها یک مشت احمق هستند؟ شما باید در مورد آن فکر کنید. ممکن است بگویید، "خوب، بله، تو هستی، هیلدبراند!

ز. پیشگویی پیشگویی به عنوان اثبات وجود خدا [22:22-24:45]

در اینجا چند چیز دیگر وجود دارد که از خود کتاب مقدس آمده است. آیا در این کتاب خداوند آینده را از ابتدا می داند؟ آیا خدا از ابتدا تا انتها آینده را می داند؟ حالا، آیا آینده را می دانید؟ آیا کسی در این اتاق یا در این محوطه دانشگاه وجود دارد که آینده را بداند؟ سوال: فردا چه اتفاقی برای بازار سهام خواهد افتاد، بالا یا پایین؟ هیچ نمی داند! به عبارت دیگر، آنقدر نامنظم بوده است که نمی توانید فردا بگویید چه اتفاقی خواهد افتاد. حالا، شما خدایی دارید که 700 سال قبل از وقوع چیزها را پیش بینی می کند. به هر حال، آیا 700 سال کمی طول یک زمان است؟ 700 سال قبل از میلاد مسیح، میکاه نبی در میکاه 5: 2 می گوید، "هی، وقتی مسیح موعود می آید، او فقط در جایی به دنیا نمی آید، بلکه مسیح در بیت لحم یهودیه متولد خواهد شد." می توانید بگویید، "بله، اما میلیون ها نفر در بیت لحم متولد شدند و این فقط شانس او در قرعه کشی بود." به من بگویید که شهر بیت لحم چقدر بزرگ بود؟ شهر بیت لحم می تواند در اینجا قرار بگیرد. ما در مورد حداکثر سه، چهار، پانصد نفر صحبت می

کنیم. ما آمریکایی هستیم، شهرهای ما بزرگ هستند: شهر نیویورک، لس آنجلس و بوستون. ما شهرهای بزرگ را می سازیم. در آنجا، شهرهای آنها شهرک هستند، و در واقع متوجه خواهید شد، در DASV، من اغلب آن را به جای "شهرها" "شهرها" ترجمه می کردم زیرا این مکان ها بسیار کوچک هستند. بیشتر مکان ها و شهرهایی که در اسرائیل در مورد آنها می خوانید در محوطه دانشگاه گوردون قرار می گیرند، از جمله جریکو. به هر حال، آیا کسی به یاد می آورد که در یک روز چند بار در اریحا قدم زدند؟ هفت بار. این به شما چه می گوید؟ آیا این شهر بزرگی است که هفت بار در آن می چرخند یا این شهر کوچکی است که هفت بار در آن می چرخند؟ بله، کوچک، جریکو کوچک است. بنابراین چیزی که من می گویم این است که اگر عیسی از بیت لحم یهودیه آمده است، آیا آن شهر کوچکی بود؟ 700 سال قبل از تولد او پیش بینی شده است. عیسی در کدام شهر متولد شده است؟ بیت لحم یهودیه. پیشگویی هایی از این دست وجود دارد، بگذارید یک پیشگویی را به پیشگویی دیگر اضافه کنم، و شما فقط شروع به اضافه کردن این چیزها می کنید و می گوید که این نمی تواند فقط شانس قرعه کشی باشد. کتاب مقدس این را پایین آورده است! چه کسی آینده را می داند؟ خدا آینده را می داند. شما انتظار دارید که خدا بتواند بگوید آینده چیست و آن را درست انجام دهد و او این کار را می کند.

ح. حساب های معجزه به عنوان اثبات وجود خدا [27:26-24:46]

چیز دیگر، معجزه. شما یک رکورد دارید. موسی به سمت دریای سرخ می رود و می گوید: "وام بام!" و حدس بزنید چه اتفاقی می افتد؟ آب ها از هم جدا می شوند، یهودیان از آن عبور می کنند. مصریان با کامیون به دنبال آنها می آیند و آب می ریزد و همه مصریان را غرق می کند! حالا شما می گوئید، "این فقط شانس بود، معجزه، باد می وزید، آنها آن روز یک نورستر داشتند و تمام آب را به عقب برمی گرداند، اما به اندازه کافی قوی بود که 50 فوت آب را می وزد اما مردم هنوز می توانستند از آن عبور کنند؟" سپس آنها به طرف دیگر می رسند و ناگهان این من از آسمان شروع به پایین آمدن کرد. معمولاً اینطور اتفاق نمی افتد. سپس آنها در سینا هستند، یک بیابان بزرگ، آنها هیچ آبی ندارند، بنابراین این مرد با یک چوب بالا می رود و به صخره ای می کوبد و ناگهان این آب از این صخره بیرون می آید و همه این افراد را راضی می کند. شما می گوئید، "معجزه؟" آنها به سمت رود اردن و بخش هایی از رود اردن نیز می روند و هفت بار در اطراف شهر رژه می روند و می گویند: "هی، بچه ها، بیرون بیایید و بازی کنید!" و دیوارها همه فرو ریختند! در واقع، چیزی که این بود، این بود که آنها تکان می خوردند، اینطور راه می رفتند، همه تکان می خوردند و زمین می لرزید... واقعاً؟ برای فرو ریختن دیوارهای بزرگ کافی است؟ بله، این معجزه آسا خواهد بود. عیسی گفت، "هی، شما پنج هزار نفر اینجا دارید، چقدر ماهی دارید؟ بیایید به این مردم غذا بدهیم." یا ایلایا، که از کوه کرمل بالا می رود، و یک صاعقه به درخواست او پایین می آید، آن محراب را سرخ می کند در حالی که این 400 پیامبر بعل برای خدایان خود فریاد می زنند و خود را به عنوان بریدن می برند. پس اینها معجزه هستند. اگر منتقد کتاب مقدس هستید و به خدا اعتقاد ندارید، دو چیزی که باید در کتاب مقدس از شر آنها خلاص شوید چیست؟ شما باید از شر نبوت خلاص شوید و باید از شر معجزات

خلاص شوید. شما می گوئید "من به معجزه اعتقاد ندارم، خدایی وجود ندارد، بنابراین هیچ معجزه ای نمی تواند وجود داشته باشد." شما باید معجزه به معجزه را پشت سر بگذارید و آنها را در کل کتاب مقدس توضیح دهید، از جمله این مرد که از یک باکره به دنیا آمده است. شما باید از شر آن خلاص شوید، اگرچه حدس می زنم امروز می توانیم این کار را انجام دهیم. اما می بینید که من چه می گویم، عیسی از یک باکره متولد شد، اما آنها از چیزی شبیه به این استفاده می کردند، "شاید یک سرباز آلمانی بود،" یا "شاید این تلقیح مصنوعی بود" برای توضیح تولد باکره دور از مسیح. آنها باید از شر آن خلاص شوند زیرا تولد باکره یک معجزه بود (اشعیا 7: 14).

I. یهودیان به عنوان اثبات وجود خدا [33:27-27:27]

حالا، این چیزی است که در مورد پادشاه فردریک در پروس مطرح شد، او گفت، "به من ثابت کنید که در یک کلمه خدایی وجود دارد." این مشاور پاسخ داد: "یهودیان." در مورد قوم یهود به من بگویید. در مورد بابلی ها به من بگویید. آیا امپراتوری بابل را به یاد دارید؟ بابل یک امپراتوری باشکوه و عظیم بود. مردم بابلی امروز کجا هستند؟ آنها هیچ جا نیستند. در مورد آشوری ها چطور؟ آشوری ها در نینوا، 1850 هکتار زمین، یک شهر بزرگ، یک امپراتوری بزرگ، اما آشوری ها امروز کجا هستند؟ جایی. موآبی ها، عمونی ها، ادومی ها، همه ites- و tites- کتاب مقدس، همه آن گروه های مردم کجا هستند؟ آنها رفته اند. پرسش: اگر از شما بپرسم که یهودیان امروز کجا بودند، چه می گفتید؟ شهر نیویورک. صادقانه بگویم، تعداد یهودیان در شهر نیویورک به اندازه اسرائیل وجود دارد، آیا این را می دانستید؟ یهودیان زیادی در اسرائیل هستند و من برای آنها احترام زیادی قائلم. من در واقع یک سال در اسرائیل زندگی کردم. اما اکنون اوضاع در آنجا بد می شود و شما باید برای صلح در اورشلیم دعا کنید. تنها چیزی که می خواهم بگویم این است که در طول قرن ها، آیا مردم عمدا سعی کرده اند یهودیان را نابود کنند؟ آیا این اتفاق بارها و بارها در تاریخ رخ داده است؟ بله، آخرین مورد با هیتلر در هولوکاست، 6 میلیون یهودی از بین رفتند. آیا این تعداد یهودیان زیاد است؟ آیا یهودیان از آن جان سالم به در بردند؟ آیا هنوز گروهی از یهودیان حتی پس از این اتفاق وجود دارند؟ حالا به هر حال، آیا امروز افرادی هستند که بگویند هولوکاست هرگز اتفاق نیفتاده است؟ بله. سه یا چهار روز پیش، احمین نجیب گفته است که متعهد به نابودی کامل اسرائیل است. این اخیرا است. آیا او احتمالا ضربه خوبی به آن خواهد زد؟ بله. او در تلاش است تا برای انجام این کار یک سلاح هسته ای ایجاد کند. بنابراین اسرائیل با مشکلات عمده ای روبرو است. پرسش: هولوکاست هرگز اتفاق نیفتاد؟ احمدی نژاد نظر خود را دارد. او می گوید که هولوکاست هرگز اتفاق نیفتاده است. شما نظر خود را دارید و می گوئید هولوکاست اتفاق افتاد. این نظر شما در مقابل نظر او است. چگونه می دانید حق با کیست؟ هر کسی می تواند نظر خود را داشته باشد. این فقط نظر او در مقابل نظر شماست. در مدرنیسم، برای شما بچه ها فقط این است که "خوب، شما این فکر می کنید و اشکالی ندارد که این را فکر کنید و من آن را فکر می کنم و اشکالی ندارد. ما می توانیم به طور مسالمت آمیز در کنار هم زندگی کنیم." آیا کسی تا به حال گفته است که واقعا چه اتفاقی افتاده است؟ نظر او این است که هرگز اتفاق نیفتاده است، آیا اصلا مهم است؟ آیا این

اتفاق افتاد یا نه؟ آیا مهم است که من آن را تصدیق کنم یا نه؟ اگر آن را تصدیق نکنم، آیا این بدان معناست که این اتفاق نیفتاده است؟ نه. مهم نیست که من چه فکر می‌کنم. این اتفاق افتاد. و به هر حال، برخی از افرادی که به آشویتس و برخی از آن مکان‌ها رفتند، آیا گفتند که این بسیار وحشتناک است، "هیچ هرگز این را باور نخواهد کرد." آیزنهاور از سربازانش خواست تا این جنایات را مستند کنند زیرا او گفت: "هیچ آنچه را که ما در اینجا پیدا کردیم باور نمی‌کند." او عمداً آن را مستند کرده بود. حالا اگر این را باور ندارید، بگذارید داستانی در مورد خانمی به نام سونیا وایتز برایتان بگویم که روی این سکو ایستاده بود. او همان چیزی است که آنها آن را "بازمانده" می‌نامند، و متأسفم اگر شما وقتی می‌گویم "بازمانده" به سمت دیگری بروید. وقتی در مورد یک "بازمانده" صحبت می‌کنم، منظورم کسی است که از هولوکاست بازمانده است. او را سوار واگن گاو کردند، با خواهرش در قطار، برهنه با صدها نفر دیگر، مانند ساردین. در خانواده او، همه کشته شدند و فقط او و خواهرش زنده ماندند. من نمی‌دانم چگونه آنها زنده ماندند، او داستان را تعریف می‌کند. او قبلاً در این پلتفرم بوده است. شما می‌گویید: "خوب، این فقط نظر شماست" در مقابل... سوال: آیا او آنجا بود؟ و او هولوکاست را توصیف می‌کند. به هر حال، او اکنون فوت کرده است، آیا این افراد پیر می‌شوند؟ من در مورد اینکه آیا باید آن را آنلاین کنم یا خیر بحث می‌کنم. این فقط یک داستان باورنکردنی است، زنی که هولوکاست را پشت سر گذاشت و در واقع به اردوگاه‌های کار اجباری رفت. خانواده اش نابود شدند و او روی این سکو ایستاد و گفت که چه اتفاقی برای او افتاده است. پرسش: آیا هولوکاست مشروع است؟ بله! از کجا این را می‌دانید؟ چون یک شاهد عینی وجود دارد، این شخص آنجا بود. این خواندن آن در یک کتاب تاریخ نیست، او آنجا بود.

بنابراین به هر حال، یهودیان. از کجا می‌دانید که یهودیان دوام خواهند آورد؟ آیا یهودیان تا آخر دوام خواهند آورد؟ وعده ابراهیم، زمین، بذر - که ذریه آنها به چه چیزی تکثیر خواهد شد؟ دانه مانند ستارگان آسمان و شن‌های ساحل دریا تکثیر می‌شود. او قرار بود برکتی برای همه ملت‌ها باشد. پیمان سرزمین است، سرزمین فلسطین، بذر، که بذر تکثیر شود، و اینکه او برکتی برای همه ملت‌ها خواهد بود. آیا یهودیان وقتی مسیح برمی‌گردد اینجا خواهند بود؟ مطمئناً به اندازه کافی. بنابراین، هر کسی که سعی می‌کند آنها را نابود کند، معمولاً چه اتفاقی برای آنها می‌افتد؟ آنها در نهایت با مشکل مواجه می‌شوند و بنابراین من نگران دفعه بعد هستم که این اتفاق بیفتد، فکر می‌کنم واقعاً جدی خواهد بود. بنابراین یهودیان، بر روی همه این افراد دیگر در کتاب مقدس که رفته‌اند استقامت کرده‌اند، اما یهودیان هنوز زنده مانده‌اند. باز هم، این کار دست خداست.

جعفر. کتاب مقدس از کجا آمده است؟ مرحله اول: الهام [38:50-33:28]

حالا، ما می‌خواهیم دنده‌ها را عوض کنیم. کتاب مقدس خود را از کجا می‌آوریم؟ بنابراین ما می‌خواهیم برویم و این را ردیابی کنیم، و اجازه می‌دهیم کمی سریعتر حرکت کنیم. من می‌خواهم برخی از این کارها را از ذهنم خارج کنم تا بتوانیم کمی سرعت آن را افزایش دهیم. آیا کتاب مقدس ادعا می‌کند که از جانب خدا است؟ آیا این ادعا را مطرح می‌کند؟ آیا کتاب درسی حساب دیفرانسیل و انتگرال شما ادعا می‌کند که از طرف خدا است؟

آیا کتاب درسی جامعه شناسی، روانشناسی یا شیمی شما ادعا می کند که از طرف خدا است؟ آیا صدها هزار جلد از کتابخانه ما وجود دارد که ادعا نمی کند از طرف خدا است؟ چند کتاب در کتابخانه ما وجود دارد که ادعا می کنند از طرف خدا هستند؟ آیا احتمالاً فقط تعداد انگشت شماری وجود دارد؟ آیا کتاب مقدس چنین ادعایی را مطرح می کند؟ بله، همینطور است. دوم تیموتائوس فصل 3 آیه 16 می گوید، «تمام کتاب مقدس از جانب خدا الهام شده است». کلمه یونانی واقعی وجود دارد *تئوپوستوس*، که به معنای "خدا نفس کشید" است. "تمام کتاب مقدس خدا دمید شده است." وقتی من اینجا صحبت می کنم، اگر شما در جلو نشسته اید، این را می دانید، وقتی صحبت می کنم، آیا با استفاده از نفس صحبت می کنم؟ بله، نفس نحوه صحبت کردن شماست. "تمام کتاب مقدس از سوی خدا دمیده شده است"، کلام خدا در پیامبران دمیده می شود و پیامبران آن را می نویسند. پولس می گوید، "تمام نوشته های مقدس از خدا دمید شده و برای آموزه، سرزنش و اصلاح مفید است..." در اینجا یکی از موارد جالب است، در دوم پطرس 1: 21، پطرس این را می گوید، "زیرا نبوت هرگز از اراده انسان سرچشمه نگرفته است." آیا این واقعا مهم است؟ نبوت آمد، اما آیا از طرف انسان آمده است یا از طرف خدا؟ پطرس می گوید که پیشگویی هرگز از اراده انسان نیامده است. به هر حال، آیا پیامبرانی بودند که منفی می رفتند، که از روی اراده خود صحبت می کردند و می گفتند، "خداوند چنین می گوید"، در حالی که خداوند "چنین نگفته بود"؟ اگر پیامبرانی مانند آن وجود داشتند، "خداوند چنین می گوید"، و خدا با آنها صحبت نکرده بود. به آن افراد چه می گویند؟ پیامبران دروغین. آیا پیامبران دروغین زیادی در عهد عتیق وجود داشت؟ وقتی ایلیا، پیامبر نیکو، علیه آنها می رود، نسبت پیامبران واقعی به پیامبران دروغین چقدر است؟ یک تا چهارصد. پیامبران دروغین زیادی وجود داشتند. پیامبران واقعی می گویند، "خداوند چنین می گوید..." و آنها از جانب خدا صحبت کردند. پطرس می گوید که «نبوت هرگز از اراده انسان ها سرچشمه نگرفته است. اما انسانها از جانب خدا سخن می گفتند همانطور که روح القدس آنها را حمل می کرد." این مردان از خودشان سخن نگفتند و این چیزها را ساختند، "روح القدس آنها را با خود بردند"، و بنابراین دوم پطرس 1: 21 است، منشأ در خدا است.

این یکی دیگر است. نویسنده عبرانیان به ما می گوید: «در زمان های گذشته، خدا به روش ها و زمان های مختلف با پیامبران صحبت می کرد.» آیا خدا با پیامبران به روش های مختلف صحبت کرد؟ گاهی اوقات به آنها ظاهر می شد. گاهی اوقات با آنها صحبت می کرد، و به روش های مختلف. نویسنده عبرانیان می گوید: "اما در این روزهای آخر، او در پسرش با ما صحبت کرده است." عیسی مسیح کلام خدا در جسم می شود. کلام خدا، کلام عهد عتیق خدا، جایی که خدا با مردم صحبت کرد، اکنون عیسی مسیح می شود. «در ابتدا کلمه بود و کلام نزد خدا بود و کلمه خدا بود... و کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد (یوحنا 1). "کلام خدا در عیسی مسیح تجسم می یابد. پس پیامبران خوب عمل کردند، اما آیا عیسی بهتر عمل می کند؟ بله، عیسی همه چیز را از بین می برد. حالا شما بیان خدا را دارید، نه در کلمات در واج ها و تکواژ های نوشتاری، شما کلمه را در جسم دارید. عیسی خدا در جسم است، عبرانیان به آن اشاره می کنند.

در اینجا یکی دیگر است، عیسی این کار را می کند، عیسی در مورد عهد عتیق چه می گوید؟ آیا عیسی می گوید که عهد عتیق از جانب خدا است؟ عیسی می گوید، "تا زمانی که همه چیز انجام نشود، حتی یک ذره یا ذره ای از شریعت نمی گذرد." جوت و تیتل چیست؟ یک جوت یک یود است. این کوچکترین حرف عبری است. مثل نیمی از یک نامه است. این کوچکترین حرف عبری است. تیتل چیست؟ یک تیتل است، خوب، آیا می دانید فونت های serif در مقابل sans serif چیست؟ آیا می دانید فونت Times New Roman چگونه یک علامت کوچک در انتهای "d" دارد؟ آن چیز کوچکی دارد که روی d آویزان است، که به آن serif می گویند. Sans serif بیشتر شبیه Arial است که در آن d فقط یک خط مستقیم و سپس یک دایره است. وقتی عیسی حتی یک ذره یا تیتل نمی گوید، تیتل یک سریف است. این قلاب کوچک روی نامه است. عیسی می گوید که حتی یک ذره یا ذره ای از شریعت نمی گذرد تا زمانی که همه چیز چیست؟ تا زمانی که همه چیز انجام شود. آیا عیسی دیدگاه نسبتاً بالایی نسبت به شریعت داشت؟ عیسی گفت، "من نیامده ام که شریعت را نابود کنم، من آمدم تا انجام دهم" چه؟ "برای تحقق آن." عیسی شریعت را به عنوان تحقق زندگی خود در نظر می گیرد. بنابراین عیسی دیدگاه بسیار بالایی نسبت به کتاب مقدس دارد که از طرف خدا آمده است.

کاج چهار قدم از خدا به ما: الهام، تقدیس، انتقال، ترجمه [50:52-38:51]

حال، چهار مرحله در این روند از خدا به ما وجود دارد.

اولین قدم "الهام" نامیده می شود. الهام نفس تنفس خدا است، خدا کلام خود را در این پیامبران می دمد. پیامبران سخن گفتند و آن را نوشتند. حالا راستی، اگر پیامبران آن را ننوشتند، آیا برای ما گم شده است؟ آیا خدا تا به حال با افرادی صحبت کرده است که هرگز آن را ننوشته اند؟ او این کار را کرد. به عنوان مثال، به کتاب هولدا نگاه کنید. کتاب هولدا کجاست؟ آیا اخیراً کسی Huldah را خوانده است؟ هولدا یک پیامبر بود، خدا به عنوان یک پیامبر با او صحبت کرد و ما هیچ یک از کتاب های او را نداریم. او یا آن را ننوشت یا شاید این کار را کرد و گم شد. اما الهام، پیامبران آن را به عنوان کلام خدا نوشتند.

تقدیس کردن: کدام کتاب ها معتبر هستند؟

تقدیس چیست؟ هنگامی که خدا مطالب را نوشت، آیا قوم خدا باید آن کتاب ها را به عنوان کتاب های مقدس جمع آوری کنند؟ پس پیامبران این محتوا را می نویسند، خدا نازل می شود، با پیامبران صحبت می کند، "خداوند چنین می فرماید..."، و پیامبر آن را می نویسد. تقدیس قوم خدا است و سپس آن دسته از کتاب هایی را که مقدس تلقی می شوند جمع آوری کنید. آیا مردم باید تصمیم بگیرند که کدام کتاب مقدس هستند و کدام کتاب ها مقدس نیستند؟ آیا کتابهایی در کتاب مقدس وجود دارد که حتی در کتاب مقدس به آنها اشاره شده است که کتاب مقدس نیستند؟ در کتاب پادشاهان می گوید، اگر در مورد یوشیا پادشاه بیشتر می خواهید، به تواریخ پادشاهان اسرائیل و

یهودا بروید. آیا ما تواریخ پادشاهان اسرائیل و یهودا را داریم؟ نه. آنها کتاب های مقدس محسوب نمی شدند، آنها به عنوان وقایع پادشاهان یهودا به حساب می آمدند. اما آیا نویسنده پادشاهان از آن تواریخ استفاده کرده است تا برخی از نوشته های خود را به ما بدهد؟ بله. بنابراین، آیا کتاب های دیگری در دنیای باستان وجود داشت که ما نداریم که متعارف نباشند؟ اما آنهایی که ما داریم، قوم یهود، قوم خدا، آنها را جمع کردند و گفتند، "اینها کسانی هستند که از طرف خدا هستند." آن مجموعه کتاب ها و تحریم آن کتاب ها فرآیند تقدیس است.

انتقال: کپی برداری از متن توسط کاتبان

بعدی انتقال است، یعنی کپی نوشتاری. آیا کتاب ها باید برای هزاران سال بارها و بارها کپی می شدند؟ آیا کاتبان اشتباه می کنند؟ وقتی یک کتاب هزار صفحه ای را کپی می کنید، آیا اشتباه می کنید؟ من به شما یک واژه پرداز با بررسی املا می دهم، حتی در آن صورت، آیا می توانید هزار صفحه را بدون خطا حتی با غلط گیر املا تایپ کنید؟ آیا ممکن است اگر چندین بار به آن برگردید احتمالا می توانید آن را دریافت کنید؟ فکر می کنم احتمالا می توانید. فکر می کنم خودم این کار را انجام داده ام. چیزی که من می گویم این است که واقعا سخت است که آن را درست انجام دهید. این بچه ها با دست کپی می کنند. سوال: کپی کردن هزار صفحه با دست، آیا این مشکل است؟ هنگام کپی کردن هزار صفحه با دست، با مشکلات دست نویسی و انواع چیزها مواجه می شوید. بنابراین اشتباهات نوشتاری، من به شما اشتباهات را نشان می دهم، در نتیجه فرآیند خط نویسی اشتباهات کتاب مقدس را به شما نشان می دهم. حالا، بعد از اینکه آن را بارها و بارها به مدت 2000 سال یا هر چیز دیگری کپی کردید، حالا باید چه کاری انجام دهید؟ کتاب مقدس در اصل به زبان های آرامی، عبری و یونانی نوشته شده است. عهد عتیق بیشتر به زبان عبری نوشته شده است. پس از بازگشت از تبعید به بابل، به آرامی نوشتند و به آرامی صحبت کردند، و سپس پس از آمدن اسکندر مقدونی به یونانی صحبت کردند. بنابراین ما آن را به آن زبان ها داریم و باید آن را به چه چیزی ترجمه کنیم؟ عبری، البته که نه. ما به زبان انگلیسی به آن نیاز داریم. بنابراین ما باید آن را ترجمه کنیم. مشکل ترجمه چیست؟ وقتی بین زبان ها ترجمه می کنید، آیا همه چیز در ترجمه گم می شود؟ آیا زبان ها کاملا با هم مطابقت دارند؟ نه. و بنابراین چند کلمه وجود دارد، من به این کلمه فکر می کنم هیسید، من با نحوه ترجمه آن کلمه دست و پنجه نرم می کنم. آیا آن را به "عشق وفادارانه" یا "عشق استوار" یا فقط "عشق" یا "رحمت" ترجمه می کنم؟ چگونه آن کلمه را ترجمه کنم، در حالی که هیچ کلمه انگلیسی وجود ندارد که با آن مطابقت داشته باشد هیسید فقط در زبان انگلیسی وجود ندارد. سوال: آیا من به عنوان مترجم مشکلی دارم؟ نه، من فقط از NIV استفاده می کنم و لازم نیست نگران آن باشید [شوخی]. اما آیا مشکل رفتن بین زبان ها را می بینید؟

ابزارهای مختلف الهام

پس بیایید به روند الهام نگاهی بیندازیم، چگونه خدا کلام او را الهام کرد؟ آیا خدا با موسی رو در رو صحبت می کند؟ در اعداد 12، خدا در مورد موسی می گوید، "موسی مانند پیامبر آسیاب نیست، او یک پیامبر معمولی نیست." او می گوید: «معمولا با پیامبران در خواب و رویا با آنها صحبت می کنم، در مورد موسی

اینطور نیست. با موسی رو در رو می شوم.» به هر حال، آنقدر رو در رو است که وقتی موسی از کوه پایین می آید، صورتش چیست؟ کسی به یاد دارد؟ چهره او می درخشد و مردم می گویند: "هی، موسی، تو بیدار بودی و با خدا صحبت می کنی، تو فقط آنجا بمانی، من چهره براق تو را دوست ندارم، موسی، آن را بپوش." پس موسی چه می کند؟ موسی پرده ای بر صورتش می اندازد! وقتی برای صحبت با خدا بالا می رود، حجاب را برمی دارد و وقتی پایین می آید تا با مردم صحبت کند، حجاب بر سر می گذارد. بنابراین موسی یک پیامبر است و او چنین تعاملی با خدا دارد. به طور معمول خدا پایین آمد و به پیامبر گفت: "خداوند چنین می فرماید..." و پیامبر نقل قول می کرد، "خداوند چنین می فرماید..." اشعیا، ارمیا، همه پیامبران، کوه عمار بیهوش، و سپس آنها از خداوند نقل قول می کنند. بنابراین، خدا با آنها با کلمات صحبت می کند و آنها آن را آشکار می کنند. خدا در رویاها و در رویاها صحبت کرد. او حتی در بوته ای آتشین به آنها ظاهر شد.

حالا این روش دیگری است که خدا صحبت کرد: خدا در پسرش صحبت کرد. عیسی، همانطور که گفتیم، کلمه تجسم یافته می شود. عیسی مکاشفه نهایی خدا است زیرا آنچه شما دارید این است که کلمه جسم می شود. کلام، به جای اینکه گفته شود، اکنون زنده است. کلام اکنون نه فقط با گفتار بلکه در عمل و معجزات به ما ارتباط برقرار می کند - چیزهای باورنکردنی - که عیسی انجام داد. کلمه جسم می شود و اکنون خدا خود را در جسم تجسم می بخشد. آیا انسان ها می توانند نزد عیسی بروند و به روده او مشت بزنند؟ بله! آیا کسی باغ عدن را به یاد می آورد؟ آیا مردم در باغ عدن با خدا راه می رفتند و با خدا صحبت می کردند؟ بله! چه اتفاقی می افتد بعد از سقوط آنها اکنون قطع شده اند. اما عیسی به یک معنا برمی گردد. آیا عیسی مسیح ما را به باغی که خدا در میان ما قدم می زند باز می گرداند؟ اما مردم چه می کنند؟ آنها او را کتک زدند! وحشتناک است. پس عیسی، "در ابتدا کلمه بود، کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود... و کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد. این یک متن زیبا در عهد جدید است (یوحنا 1). با این حال، اکنون برخی از نویسندگان تحقیق کردند. به عبارت دیگر، این خدا نبود که پایین بیاید و چیزی را در گوش آنها دیکته کند. در کتاب لوقا، لوقا می خواهد انجیلی درباره عیسی مسیح بنویسد، اما آیا لوقا تا به حال عیسی مسیح را ملاقات کرده است؟ نه. لوقا هیچوقت عیسی مسیح را ندید. بنابراین، لوقا بر چه اساسی انجیلی درباره عیسی مسیح می نویسد؟ خوب، لوک به ما می گوید که داده هایش را از کجا آورده است. لوک اطلاعات خود را از کجا به دست آورد؟ «بسیاری متعهد شده اند که از چیزهایی که در میان ما انجام شده است، همانطور که توسط کسانی که از اولین شاهدان عینی بودند به ما تحویل داده شد، تهیه کنند.» آیا لوقا مطالب خود را در مورد عیسی مسیح از شاهدان عینی دریافت کرد؟ آیا لوقا تفاوت بین شاهدان عینی و منابع ثانویه را می داند؟ بله. آیا او مورخ خوبی است؟ او می گوید: "من این اطلاعات را از شاهدان عینی دریافت کردم." او با شاهدان عینی و خادمان کلام بررسی می کند، زیرا خود او شاهد عینی نبود. «زیرا از آنجایی که من خودم به دقت تحقیق کرده ام...» کتاب لوقا از کجا آمده است؟ این از تحقیقات دقیق او، صحبت و مصاحبه با افرادی که شاهد عینی بودند ناشی می شود. "همه چیز از ابتدا، اکنون به نظر من نیز خوب بود که بنویسم و حساب منظم کنم."

حالا می خواهم آن را سفارش دهم، او می گوید، "برای تو عالی ترین تئوفیلوس... تا به یقین آنچه به شما آموخته شده است بدانید!" پس لوقا اطلاعات خود را از کجا به دست آورد؟ لوقا مطالب خود را عمدتاً از شاهدان عینی که با آنها مصاحبه کرده بود به دست آورد و این را به ما می گوید [لوقا 1: 4-1]. حالا در مورد این چطور:

سلیمان، در امثال 25: 1. سلیمان ضرب المثل های زیادی نوشت، اما چه کسی کتاب امثال را ساخت؟ سلیمان بود؟ نه! تا حدی بله، اما در امثال 25: 1 می گوید، "اینها بیشتر امثال سلیمان است که توسط مردان حزقیا کپی شده است." بنابراین حزقیا [700 قبل از میلاد]، حداقل 200 سال پس از سلیمان [960 قبل از میلاد]، مردان حزقیا این ضرب المثل ها را از آن مجموعه بزرگتر کپی کردند. آیا می بینید که کتاب مقدس چگونه آنها را به دست آورد؟ آنها مجموعه بزرگی از ضرب المثل های سلیمان داشتند، اساساً فصل های 25 تا 29 امثال از یک مجموعه بزرگتر کپی شده بود. مردان حزقیا این کار را 200 سال پس از زمان سلیمان انجام دادند. پس آیا می بینید که چگونه خدا به روش های مختلف به مردم الهام می بخشد؟ این تمام چیزی است که می خواهم به شما نشان دهم. این یکی است که پل انجام می دهد. پولس در اعمال رسولان ۱۷ زمانی که در تپه مریخ است، زمانی که در آتن در یونان است. او در حال قدم زدن با دیدن همه این خدایان است و می گوید: "هی، حق با تو است. یکی از شاعران شما گفته است: در او زندگی می کنیم و حرکت می کنیم و وجود خود را داریم، همانطور که برخی از شاعران شما گفته اند. پل از آرتاس نقل قول می کند، یک شاعر بت پرست، و می گوید آنچه بچه ها گفتند درست بود! آیا این در کتاب مقدس است؟ "ما در او زندگی می کنیم و حرکت می کنیم و وجود خود را داریم، همانطور که شاعران شما گفته اند." پولس از یک شاعر یونانی بت پرست نقل قول می کند و این در کتاب مقدس ما است. آیا خدا به طرق مختلف به مردم الهام بخشید؟ پل این نقل قول را در ذهنش داشت، و آن را می گذارد و می گوید، "نه، درست بود، چیزی که آن مرد گفت." اکنون تحت الهام کتاب مقدس است. خدا به روش های مختلف الهام بخش است.

اکنون، همکاری خارجی وجود داشت. بگذارید این کار را سریع انجام دهم. وقتی کتاب مقدس را برمی دارید، اگر کتاب های دیگری خوانده اید، آیا کتاب مقدس کتابی باورنکردنی است، به ویژه کیفیت اخلاقی؟ دو چیز مهم در کتاب مقدس چیست؟ "خداوند خدای خود را با تمام دل دوست بدار." و چی؟ "همسایه خود را مانند خودت دوست بدار." سوال: اگر بخواهید چیزی نجیب در جهان انتخاب کنید، آیا این جمله ها از بهترین اظهارات تاریخ هستند؟ خدا را با تمام وجود دوست داشته باشید، همسایه خود را مانند خودتان دوست داشته باشید، اینها چیزهای بزرگی هستند. کتاب مقدس این ویژگی اخلاقی را منعکس می کند که کاملاً باورنکردنی است. عمیق ترین ارزش ها و نیازهای انسانی در کتاب مقدس برآورده شده و بیان شده است. آیا کتاب مقدس یک کتاب عمیق است؟ شما می گویند، "نه، هیلدبرانت، من کتاب پیدایش را می دانم..." می خواهم به شما بگویم که یک نفر در کلاس آخر گفت: "من با کتاب پیدایش کاملاً آشنا هستم." فقط می خواهم به شما بگویم، من کتاب پیدایش را نمی دانم و سالهاست که آن را آموزش می دهم. آیا چیزهایی در اعداد وجود دارد که تا به امروز در مورد آنها تعجب کنم؟ کتاب مقدس فوق

العاده عمیق است، شما می توانید تمام عمر خود را صرف مطالعه عمق و معنای آن کنید.

I. اشتباهات ادعایی در کتاب مقدس: شتر، هیتی ها، داوود و تأییدیه های باستان شناسی [53:50-]

[60:05]

حالا در اینجا چند چیز در مورد کتاب مقدس وجود دارد. منتقدان به کتاب مقدس حمله کرده اند و آنچه شما دریافت می کنید چیزهایی از این دست است - بگذارید فقط بحث در مورد شتر را به شما ارائه دهم. من عاشق شتر هستم. در واقع، حقیقت صادقانه این است که من از شتر متنفرم. یک شب کنار یک شتر خوابیدم و اگر کسی بگوید نفس شتر دارید، این تعارف نیست. شترها بدترین بوی نفس را دارند، این بدترین بویی بود که در تمام زندگی ام بو کرده ام. ما کنار یک شتر خوابیدیم و او در تمام آن شب در چادر ما نفس کشید. وحشتناک بود، اگرچه احترام زیادی برای شتر قائل هستم.

پس معامله با شتر چیست؟ منتقدان می گویند که کتاب مقدس اشتباه کرده است و اشتباهاتی در کتاب مقدس وجود دارد. کتاب مقدس می گوید که ابراهیم شتر داشت. تاریخ ابراهیم کی است؟ 2,000 قبل از میلاد کتاب مقدس می گوید که او شتر دارد. منتقدان ادعا می کنند که تحقیقات نشان می دهد که شترها تا سال 1200 قبل از میلاد اهلی نشده اند و کتاب مقدس می گوید که ابراهیم شتر داشت (حدود 2000 قبل از میلاد). بدیهی است که مردم نمی دانستند که ابراهیم نمی تواند شترها را اهلی کند، زیرا آنها تا 800 سال بعد اهلی نشده بودند. کتاب مقدس یک خطا در خود دارد. من جدی هستم که این بحث شده است. ببینید و برخی از باستان شناسان در حال حفاری در اطراف هستند و به جایی به نام ابلا می رسند. قدمت ابلا به حدود 2400 سال قبل از میلاد برمی گردد که حدود چند سال قبل از ابراهیم را بیان می کند؟ حدود 400 سال قبل از ابراهیم. حدس بزنید آنها در ابلا چه داشتند؟ اینک و ببین، شتران اهلی در ایبلا، 400 سال قبل از زندگی ابراهیم. سوال: کتاب مقدس می گوید ابراهیم شتر داشت، درست است؟ درست است. آیا این منتقدان اشتباه فهمیدند؟ بله، آنها اشتباه فهمیدند.

حالا این یکی دیگر است، هیتی ها. کتاب مقدس اشاره می کند که اوریا هیتی با بتشبع ازدواج کرده بود. هیتی های دیگری نیز در کتاب مقدس وجود دارند. منتقدان گفته اند، "کتاب مقدس اشتباه است، ما همه مردمان جهان باستان را می شناسیم، ما همه باستان شناسی را داریم، هیچ گروهی به نام "هیتی ها" وجود ندارد، ما هیچ سابقه ای از این مردم هیتی نداریم، بنابراین آنها وجود نداشتند. کتاب مقدس اشتباه کرده است، هیتی ها وجود نداشتند." ببینید، کسی به قسمت شمالی ترکیه می رود و ناگهان شروع به حفاری در بوغازکوی می کند، و حدس بزنید چه؟ معلوم می شود که اینجا پایتخت امپراتوری هیتی است و آنها کل فرهنگ هیتی ها را حفر می کنند! به هر حال، آیا می توانید اکنون به دانشگاه پنسیلوانیا بروید و زبان هیتی را مطالعه کنید؟ بله! یک فرهنگ کامل با هزاران لوح از هیتی ها وجود دارد، در واقع کتاب تثنیه از شکل معاهده هیتی ساخته شده است. پس سوال: آیا اکنون می دانیم که هیتی ها وجود داشتند و منتقدان اشتباه می کردند و کتاب مقدس چه بود؟ راست. چیزی که من

می خواهم بپرسم این است: آیا کتاب مقدس از نظر تاریخی قابل اعتماد است؟ بله. و چیزی که من می گویم این است که منتقدانی که آن را نقد می کنند، در نهایت اشتباه می کنند.

دیوید چطور؟ این حتی سی سال پیش است، مردم می گفتند که دیوید واقعا وجود ندارد. دیوید در دنیای باستان پادشاه آرتور بود، آنها فقط داوود را ساختند، این شخصیت این پادشاه بزرگ که خیرخواه بود. درست مثل شاه آرتور است که هرگز واقعا وجود نداشت. آنها تمام آرمان های خود را به داوود برگرداندند و این پادشاه ایده آل شگفت انگیز را ساختند. ما هیچ سابقه ای در باستان شناسی داوود نداریم و بنابراین او هرگز وجود نداشته است. ببین، فکر می کنم در دهه 1980 بود، باستان شناس با بیل، چیزی در مورد این بزرگ کشف کرد. معلوم شد که انار بوده است و قدمت انار مربوط به حدود قرن نهم یا دهم قبل از میلاد است که درست در زمان داوود است و حدس بزنید انار در کنار آن چه می گوید. می گوید "le DVD". حالا بگذارید یک دقیقه به اینجا بروم. این اولین رکوردی وی وی دی در تاریخ بود. اینکه قرار بود وی وی دی وجود داشته باشد و همه شما از آنها استفاده می کنید، و از نظر تاریخی می توانید ببینید که چگونه یهودیان درخشان و جلوتر از زمان خود هستند: وی وی دی. خوب، مشکل آن چیست؟ دلیل اینکه من می گویم le که به معنای "به" یا "برای" است، مشکل عبری باستان چیست؟ آنها از چه چیزی استفاده نکردند؟ مصوت ها. بنابراین شما حروف DVD را دارید، حدس بزنید چه چیزی را در آنجا پر می کنید، لازم نیست خیلی روشن باشید تا بفهمید. شما دو مکان برای مصوت ها دارید، مصوت ها چیست؟ بر سنگی حک شده است، چه کسی چیزها را بر سنگ حک می کند؟ آیا این خانواده سلطنتی است یا این یک مرد فقیر است؟ مردان فقیر از سفال [قطعات سفال شکسته] استفاده می کنند. یک مرد ثروتمند روی سنگ تراشیده می شود. پس این خانواده سلطنتی است، این دیوید است - "به دیوید". حدس بزنید نیمی از مزامیر ها (خوب نه نیمی از آنها، بلکه یک تن از مزامیر ها)، حدس بزنید چگونه شروع می شوند؟ "لو دیوید" یا "برای دیوید". پس یک نفر می گوید، "از کجا بفهمیم که دی وی دی به معنای دیوید است؟" برخی از منتقدان هنوز این را نمی پذیرند و بنابراین می گویند DVD در واقع مخفف خدایی است، "به یک دی وی دی/خدا". من در مورد دی وی دی های شما صحبت نمی کنم، نه، آنها گفتند خدایی به نام (و در واقع آنها از DVD استفاده می کردند) دی وی دی از دنیای باستان وجود دارد. اما مشکل این استدلال چیست؟ در تمام سوابق ما، آیا خدایی به نام DVD وجود دارد، با یا بدون مصوت ها؟ نه، هیچ سابقه ای از آن وجود ندارد. آیا این حدس و گمان کامل از طرف آنهاست، زیرا آنها نمی خواهند آن را بپذیرند. DVD احتمالا به چه معناست؟ اگر کسی تا به حال کاری با زبان عبری انجام داده است و شما دی وی دی را می بینید به معنای دیوید است. بنابراین ما اکنون سوابق واقعی آن را داریم.

حالا ما کاتب ارمیا را نیز داریم، بگذارید در مورد بول ها به شما بگویم. این بچه ها روی حلقه هایشان چیزهایی می پوشیدند. مثل اثر انگشت بود. کاری که روی بولای خود انجام می دادید، آن را در موم می چسبانید یا در گل می چسبانید زیرا آنها روی گل می نوشتند. شما آن را در گل و لای می چسبانید و چاپ شما را ترک می

کرد (و اتفاقاً می دانستید که چاپ شماسست زیرا نام شما روی آن بود.) این همان کاری است که کاتبان انجام می دادند، در آن زمان اینگونه "حق چاپ" داشتند. این یک شوخی بود، باشه؟ وقتی آنها به سند رفتند، به این معنی بود که این سند آنها بود. حالا مردی به نام ارمیا بود، او چند کتاب نوشت، در واقع یک کتاب بزرگ و دوست داشت ناله کند. او کاتبی به نام باروخ داشت، باروخ کاتب. حدس بزنید چه؟ در سال 1975 شما آن را همانجا می بینید، این بولای باروخ است. در ارمیا ۳۶، خدا پایین می آید و می گوید، "ارمیا، من شروع به صحبت با تو می کنم و تو باید شروع به نوشتن آن کنی. شما باید یکی از کاتبان عهد عتیق هیلدبرانت را بخواهید تا این را برای شما تایپ کند زیرا من می خواهم شروع به صحبت کنم و شما باید آن را بنویسید. پس بیرون بروید و برای خود یک کاتب پیدا کنید. علاوه بر این، نام کاتب را به شما می گویم. می خواهم باروخ، پسر نریا، کاتب را پیدا کنید. شما این مرد را پیدا می کنید و او می خواهد آن را برای شما بنویسد." آیا ما بولا، حلقه امضای این مرد را داریم؟ آیا ما آن را داریم؟ به هر حال، برکایا پسر ناریا کاتب است، آیا دقیقاً از همان دوره آمده است؟ در سال 1975 این مورد پیدا شد. مردی که آن انگشتر را به دست داشت، آیا کتاب مقدس را نوشت؟ آیا او کتاب مقدس را از دهان ارمیا کپی کرد؟ ما بولای آن مرد را داریم. آیا این بسیار باورنکردنی است؟ شما نمی توانید این چیزها را بسازید. این باورنکردنی است، ما در واقع آن را داریم، بولای واقعی آن مرد. در اینجا می گوید که این بولای او بود، و او در واقع این را در ارمیا 36 نوشته است.

همچنین جرامیل، سریا، جماریا وجود دارد - اینها نیز افرادی هستند که در کتاب ارمیا ذکر شده اند و آثاری با نام این افراد پیدا کرده اند. آیا این بسیار باورنکردنی است؟ تنها چیزی که می خواهم بگویم این است: کتاب مقدس از نظر تاریخی قابل اعتماد است. آیا ما 2000 سال بعد چیزهایی را حفاری می کنیم که آنچه را که در حال وقوع است تأیید می کند؟

پس ما بلعام را داریم، آیا کسی در مورد بلعام و الاغ سخنگوش می داند؟ بدانید که نام این مرد در واقع پیدا شده است، بلعام پسر بور. آنها در واقع چیزی را در ترانس اردن پیدا کرده اند که نام این مرد روی آن است - نه فقط در کتاب مقدس، بلکه در خارج از آن. بر روی سنگ میشا از پادشاه موآب، عمری را یافتند. عمری به این دلیل مشهور است که پدر اخاب پادشاه است. آیا اخاب و ایزابل را به یاد دارید؟ این پدر اخاب است. او در واقع در آشور ثبت شده است، زیرا در آشور اسرائیل را "سرزمین عمری" نامیدند. بنابراین این مرد در اسناد آشوری در تاریخ آشوری ها تأیید شده است، عمری در آنجا ذکر شده است. سناخریب پادشاه آشور نیز در کتاب مقدس ذکر شده است.

شاهدان رستاخیز فقط چیزهای دیگری نیز در مورد تاریخی بودن هستند. پولس می گوید 500 نفر بودند که یک بار عیسی را دیدند که از مردگان برخاست.

M. پیشگویی محقق شده [62:32-60:06]

حالا، پیشگویی محقق شده، من می خواهم به سرعت به آنها ضربه بزنم. صادقانه بگویم، هر یک از اینها می تواند یک ساعت، دو ساعت، سه ساعت طول بکشد و با تأیر شروع شود. حزقیال در کتاب مقدس پیش بینی کرد که صور، این شهر بسیار قدرتمند، نابود خواهد شد. که مانند پنکیک صاف می شود و به اقیانوس پرتاب می شود. حدس بزنید چه؟ اسکندر مقدونی 200-300 سال بعد می آید و حدس بزنید که او چه می کند. او به سمت صور می آید و می گوید، "هی، آن شهر دارد به اقیانوس می رود." او کل شهر را به اقیانوس می اندازد و داستان طولانی این است که حزقیال نابودی صور را پیش بینی کرده بود و این دقیقا همان چیزی است که اتفاق افتاد. اشعیا 200 سال قبل از زندگی کوروش در مورد کوروش به ما می گوید. اشعیا درباره کوروش به ما می گوید. سپس شما کوروش ایرانی را می بینید که می آید و مردم را آزاد می کند. کوروش یکی از بزرگان است، اگر بخواهید کسی بزرگ را در عهد عتیق مطالعه کنید. من اسکندر مقدونی را «اسکندر انگور» صدا می کنم، می دانید، با او خوش می گذرانم، اما کوروش، به او می گویم آقای کوروش. شما می خواهید یک رهبر را مطالعه کنید، یک رهبر واقعی، به کوروش نگاه کنید - آن مرد بیشترین احترام را برای من قائل است. سربازانش چنان به او احترام می گذاشتند که پس از مرگ او در سن 75 سالگی و هدایت سربازان خود به نبرد، پارسیان ماد-ماد جسد او را هزار مایل حمل کردند تا با عزت و احترام دفن کنند. آیا او احترام سربازانش را داشت؟ آنها جسد او را هزار مایل حمل کردند تا آن را به خوبی دفن کنند. کوروش یک پادشاه جنگجوی بزرگ است. به هر حال، اشعیا نیز اشاراتی دارد که کوروش مسح شده است. "مسح شده" در زبان عبری چیست؟-مسیح. شما این طعم را دریافت می کنید که کوروش مسح شده است، به نوعی پیشگام عیسی.

پس البته آیا عیسی در عهد عتیق پیشگویی شده بود؟ بله، در بیت لحم متولد شد. اگر می خواهید چیزی در مورد عیسی بخوانید، اشعیا 53 را بخوانید و وقتی کارتان تمام شد، کاملاً شما را شگفت زده می کند. در اینجا، در اول پادشاهان 13، پادشاه یوشیا را پیش بینی می کند، 300 سال قبل از زندگی یوشیا. یوشیا پیش بینی شده است و نشان می دهد که او چه خواهد کرد. کتاب مقدس پیش بینی می کند که آن مرد چه کاری انجام خواهد داد و او را به نام صدا می زند و می گوید که 300 سال قبل از زندگی چه می کرد. بنابراین آیا این کتاب چیزهای بسیار دیدنی در خود دارد؟ بله.

N. تقدیس [74:36-62:33]

حالا بیایید به اینجا برویم و به تقدیس برویم. آیا ما هر آنچه را که خدا تا به حال گفته است در کتاب مقدس برای خود ثبت کرده ایم؟ خوب، آیا ما کتاب هولدا را داریم؟ نه. خدا با هولدا صحبت کرد، هولدا مردم را خطاب قرار داد. او یک پیامبر خدا بود، اما ما کتاب او را نداریم. بنابراین چیزهایی وجود دارد که خدا گفت که برای آن

روز و عصر می خواست اما نه برای همیشه؟ آیا چیزهایی می گوئید که فقط می خواهید والدینتان بدانند اما هیچ دیگری نمی داند؟ بنابراین او صحبت کرد و همه چیز را برای همیشه ضبط نکرد. به عنوان مثال، سلیمان 3000 ضرب المثل نوشت. چند ضرب المثل در کتاب مقدس خود از سلیمان داریم؟ حدود 375. این بدان معناست که ما فقط حدود یک دهم آنچه سلیمان نوشته است داریم. می دانید که سلیمان 1000 آهنگ نوشت، چند آهنگ از سلیمان داریم؟ بله، آنها یک غزل سلیمان را در کتاب مقدس قرار دادند و گفتند: "همین کافی است، ما دیگر از آن نمی خواهیم!" بنابراین به هر حال، 3000 ضرب المثل وجود دارد، ما حدود 375 ضرب المثل داریم. آیا سلیمان ضرب المثل های زیادی نوشت که ما نداریم؟ بله.

در اینجا یک مورد کلاسیک از عیسی است. در پایان یوحنا، یوحنا می گوید، "می دانید، من چیزهای زیادی در مورد عیسی نوشتم و به شما گفتم، اما اگر بخواهم هر آنچه را که در مورد عیسی می دانم به شما بگویم، کتاب های جهان نمی توانند آن را نگه دارند!" به عبارت دیگر، کارهای زیادی وجود دارد که عیسی انجام داد که در این کتاب نوشته نشده است. یوحنا به صراحت می گوید: "کارهای زیادی وجود دارد که عیسی انجام داد که من در این کتاب قرار ندادم، در غیر این صورت کتاب خیلی بزرگ بود." بنابراین یوحنا به صراحت بیرون می آید و به ما می گوید که کارهای زیادی وجود دارد که عیسی انجام داده است که ثبت نشده است.

حال، هنگامی که چیزهایی از جانب خدا ثبت شد، آیا مردم آن چیزها را تأیید کردند و بلافاصله آنها را به عنوان معتبر در نظر گرفتند؟ یا آیا افسانه و سنت باید رشد می کردند تا در اقتدار خود رشد کنند؟ آیا آنها آنی مقتدر بودند؟ بیایید موسی را در نظر بگیریم، به عنوان مثال، او از کوه سینا پایین می رود. او ده فرمان را دارد، درست است؟ او نزد مردم می آید. آیا آن ده فرمان بلافاصله به عنوان معتبر از سوی خدا پذیرفته می شوند؟ بعد از اینکه اولی ها را از بین می برد، با دومی ها بیرون می آید. اما او پایین می آید و آنها بلافاصله پذیرفته می شوند و در واقع ده فرمان در چه مکانی قرار می گیرند تا نشان دهند که آنها از طرف خدا تأیید شده اند؟ ده فرمان کجا قرار داده شد؟ آنها را در صندوق عهد قرار دادند. آیا ایندیانا جونز را دیده اید؟ چه چیزی در کشتی است؟ شما آن را باز می کنید و چهره مردم ذوب می شود. به هر حال، ده فرمان در صندوق قرار گرفتند، آیا این نشان می دهد که این ده فرمان بلافاصله به عنوان کلام خدا پذیرفته شدند و به این ترتیب تأیید شدند. سلیمان در اول پادشاهان فصل 8 آیه 9 می گوید که صندوق را به داخل معبد برد. به یاد داشته باشید که سلیمان معبد را ساخت، سپس صندوق را به داخل معبد می برد و می گوید: «هی، کشتی قرار بود یک ظرف من، عصای جوانه زده هارون و ده فرمان داشته باشد. من صندوق را به اینجا کشیدم و کشتی فقط ده فرمان دارد، حالا این تمام چیزی است که در آنجا وجود دارد.» دو چیز دیگر از بین رفته اند. من همیشه تعجب می کردم که چگونه او این را فهمید. او باید اشعه ایکس یا چیزی شبیه به آن داشته باشد.

سپس در زمان نحیا، وقتی از تبعید بابل برمی گردند، چه می کنند؟ آنها "کتاب شریعت" را می خوانند. به هر حال، آیا یهودیان تا به امروز، در بسیاری از اعیاد خود کتاب شریعت را می خوانند؟ آیا برای آن گروه به

عنوان معتبر پذیرفته شده است؟ آیا قوم خدا کلام خدا را می پذیرند؟ بنابراین آنها می گویند، "بسیار خوب، اینها کتاب هایی هستند که خوب هستند، و در آنجا هستند." آیا هنوز افرادی هستند که کشتی را شکار می کنند؟ چه اتفاقی برای کشتی افتاد؟ من این سوال را در کلاس آخر دریافت کردم. فکر می کنم کشتی کشتی وقتی به تبعید رفتند، به یاد می آورند که به بابل رفتند. دانیال، شادراک، مشاک و عابدنگو و نبوکدنصر را به یاد آورید، آنها به بابل رفتند. اساسا نبوکدنصر معبد سلیمان را مسطح کرد. آنها با طلا چه کردند؟ آنها آن را ذوب کردند و تمام برنز و برنج را برداشتند و به بابل بردند و فقط از بین رفت. حال، آیا برخی از مردم فکر می کنند که یهودیان صندوق را در صحرای یهودیه پنهان کردند؟ چند سال پیش مردی بود که دلارهای هنگفتی را برای شکار در تمام غارهای بیابان یهودیه خرج می کرد و سعی می کرد این کشتی مدفون را زیر چیزها پیدا کند. این به نوعی شبیه ایندیانا جونز است، اما در واقع افرادی هستند که این کار را انجام می دهند. من فکر می کنم کشتی از بین رفته است، و این نکته مهمی را نیز مطرح می کند.

حفظ کلام خدا

کشتی از بین رفته است. آیا نسخه اصلی اشعیا را داریم؟ نسخه اصلی اشعیا که اشعیا نوشت، آیا ما آن را داریم؟ آیا خدا می توانست آن را حفظ کند؟ بله. آیا خدا آن را حفظ کرد؟ نه. ارمیا، اشعیا، دانیال، مزامیر داوود، آیا ما آنها را داریم؟ آیا ما هیچ یک از توراتیوک، نوشته های موسی را داریم؟ نه. آیا خدا کلام خود را کاملاً حفظ کرد یا آن را به کاتبان واگذار کرد؟ حالا وقتی کاتبان آن را کپی می کنند، آیا اشتباه می کنند؟ چرا خدا کلامش را گم کرد و اصل کامل را حفظ نکرد؟ من می خواهم پیشنهادی بدهم، من فقط این را می سازم، اما به نظرم می رسد که اگر خدا ده فرمان را حفظ می کرد، مردم با آن چه می کردند؟ مردم آن را می پرستیدند. اگر کتاب واقعی موسی را داشتید، آیا مردم به جای خدای کتاب، یادگار را می پرستیدند؟ بنابراین حدس من این است که خدا گفت، "هی، من می خواهم که شما مرا پرستش کنید! نه آثار. پس آنها را رها کنید و مرا پرستش کنید." به همین دلیل است که فکر می کنم آن متون گم شده اند. حالا، به هر حال، آیا من فقط آن را ساختم؟ بله. اما آیا کمی منطقی است؟ اگر یکی بهتر دارید، بیایید و با من صحبت کنید.

این یکی است، این مکاشفه است. آیا اظهاراتی در کتاب مقدس وجود دارد که نباید به کتاب مقدس اضافه یا کم کنید؟ در پایان کتاب مکاشفه آمده است: «هر به این کتاب بیفزاید، نفرین های این کتاب بر شما افزوده می شود. هر از این کتاب کم کند، نام تو از درخت حیات کم می شود.» آیا این چیز بدی است؟ این چیز بدی است. به هر حال، تثنیه 4: 2 همین کار را انجام می دهد. موسی می گوید از این کتاب زیاد یا کم نکنید، این از طرف خداست، این یک اثر متعارف است، با آن سر و کار نکنید.

پطرس، پولس و اقتدار بلافصل

حالا یکی از کسانی که دوستش دارم پطرس و پل هستند. شما این بیانیه را از پیتر دریافت کرده اید. رابطه پطرس با پولس چه بود؟ آیا پولس پطرس را با چهره سرزنش کرد؟ پطرس و پولس در کتاب غلاطیان آن

را منتشر کردند. پطرس می گفت، "شاید غریبه‌دیان باید ختنه شوند، شاید آنها باید همه این کارهای یهودی را انجام دهند." پولس می گوید، "نه، تو اشتباه می کنی پطرس." حالا، راستی، آیا پطرس شاگرد بزرگ است؟ پل تازه وارد است. پولس نزد پطرس می رود، انگشتش را روی صورتش می گذارد و می گوید: «پیتیر، تو اشتباه می کنی!» و او او را به صورت خود سرزنش. پطرس در این مورد چه می گوید؟ در دوم پطرس، آیا پطرس حرف آخر را می زند؟ در دوم پطرس، این چیزی است که او در مورد پولس می گوید، "به خاطر داشته باشید که صبر خداوند ما به معنای نجات است، همانطور که برادر عزیزمان پولس نیز با حکمتی که خدا به او داده است به شما نوشته است." آیا پطرس تصدیق می کند که خدا به پولس حکمت داد و پولس برای آنها نامه می نوشت؟ بله. پطرس تصدیق می کند که خدا به پولس حکمت داده است. حالا پطرس از نظر تجارت چه بود؟ یک ماهیگیر. پولس از نظر تجارت چه بود؟ بله، یک چادر ساز بود، اما او بیشتر یک فرد دانشمند بود که زیر نظر خاخام گامالیل تحصیل می کرد. بنابراین پیتیر یک ماهیگیر است. این چیزی است که پطرس در مورد پولس می گوید، او می گوید، "او در تمام نامه هایش به همین شکل می نویسد." آیا پطرس از تمام نامه های پولس آگاه بود؟ آیا نامه های پولس سال ها و سال ها طول کشید تا معتبر شوند یا بلافاصله معتبر شدند؟ آیا پطرس بلافاصله اقتدار نامه های پولس را تشخیص داد؟ او می گوید، "پولس نامه های زیادی نوشت، خدا از حکمت با او صحبت کرد و در آنها در مورد این مسائل صحبت کرد،" و من این قسمت را دوست دارم، "... نامه های او حاوی چیزهایی است که درک آنها دشوار است." آیا این ماهیگیر صحبت می کند؟ اگر نامه های پولس را در عهد جدید خوانده باشید، پولس ایده های بسیار پیشرفته ای می نویسد. و پطرس این را تصدیق می کند، او می گوید، "پولس حکمت خدا را می نویسد، و من مطمئن نیستم که همه اینها را درک کرده باشم." "که نادان و ناپایدار به عنوان آنها تحریف می کنند،" چه؟ آنها نامه های پولس را تحریف می کنند "همانطور که کتاب مقدس دیگر انجام می دهند." این بدان معناست که او نامه های پولس را در همان سطح قرار می دهد؟ متون مقدس، نوشته های مقدس. آیا پطرس بلافاصله نوشته های پولس را پذیرفت؟ بله. و بنابراین اینها آیات مهمی هستند. آنها بلافاصله معتبر شدند و در واقع می توانید این را در اینجا با دانیل ببینید. دانیال به ارمیا نقل می کند، آنها معاصر بودند، آنها در یک زمان زندگی می کردند. دانیال می گوید، "ارمیا گفت که ما 70 سال در بابل خواهیم بود. 70 سال طول می کشد." دانیال بلافاصله ارمیا را می پذیرد. بنابراین قوم خدا بلافاصله کلام خدا را پذیرفتند.

معیار تقدیس

حال سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که چرا برخی از کتاب ها پذیرفته شدند و برخی دیگر رد شدند؟ به عبارت دیگر، آنها بلافاصله پذیرفته شدند اما پس از آن اتفاقی که افتاد این بود که شما یک فرآیند دارید. اگر پولس به افسس نامه بنویسد، مردم افسس آن نامه را دریافت می کنند، اما کسانی که در روم نشسته اند، چیزی از آن نامه نمی دانند. آن نامه ها باید پخش می شدند، بنابراین شما با مشکل تیراژ مواجه می شوید. و سپس سوال این است: بسیار خوب، ما در روم نشسته ایم، آیا می توانیم نامه را به افسسیان برسانیم؟ آیا پولس واقعا این

را نوشت؟ آیا واقعا این یکی بود؟ بنابراین کلیسای اولیه در واقع احتمالا 200-300 سال با آن مبارزه کرد. یک فرآیند تقدیس وجود داشت، اما چیزی که من به شما پیشنهاد می کنم این است که آیا شواهدی در کتاب مقدس وجود دارد که همه چیز بلافاصله پذیرفته شده است. اما به نظر من مشکل بیشتر در مورد گردش خون در کلیسای اولیه است. اما در مورد یهودیان شما هم همین نوع چیزها را دریافت می کنید. من می خواهم آن را در آنجا بگذارم، اما بیایید چند کتاب مقدس را انجام دهیم!

رونویسی شده توسط اریکا آبراهامسن خشن ویرایش شده توسط تد هیلدبرانت-2